





دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

شعر ابوتمام در ترازوی نقد و تحلیل

حمید اکبری

استاد راهنما

دکتر محمد فاضلی

۱۳۸۶ / ۹ / ۳ -

استاد مشاور

دکتر خلیل پروینی

شهریور ۱۳۸۵

کتابخانه مرکزی
دانشگاه تربیت مدرس

۶۹۱۵۳

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها/ رساله‌های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره‌برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می‌باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما نویسنده مسئول مقاله باشند. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود.

طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود. ۱۳۸۴/۴/۲۵

تقدیم به:

«ارسطویان پرستو بال زندگی ام»

پدر فداکارم

و

مادر مهربانم

تشکر و قدردانی

این الکرام إذا ما أیسروا ذکرُوا

من کان یألفهم فی المنزل الخشن

(ابوتمام)

اینک که با یاری خداوند متعال کار نگارش این اثر به پایان آمده، بر خود فرض می‌دانم از زحمات استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمد فاضلی که راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند، و در تمامی مراحل تحقیق، یاریگر من بوده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین از استاد محترم جناب آقای دکتر خلیل پروینی، مدیر محترم گروه، که لطف نموده، و مشاوره رساله را تقبل نمودند، و با مساعدت‌های بی‌دریغ‌شان، گره‌گشای بسیاری از مسائل و مشکلاتم بودند، سپاسگزاری می‌کنم.

از استادان محترم داور، آقایان دکتر صدقی و دکتر لسانی که با صبر و حوصله، رساله را مورد مطالعه و کنکاش قرار دادند، و نظراتی ارزشمند بیان فرمودند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

از خانواده عزیزم که همواره در مراحل مختلف زندگی، مشوق و حامی من بوده‌اند، نیز سپاسگزارم.

در پایان از همه دوستان ارجمندی که به هر شکل ممکن مرا مورد لطف خود قرار دادند، و یاری‌ام نمودند، تشکر می‌کنم، و از خداوند متعال برای ایشان توفیق روز افزون مسئلت می‌نمایم.

چکیده

ابوتمام یکی از شاعران بزرگ و صاحب سبک در تاریخ شعر عربی است که سر منشأ تغییر و تحولات بسیاری در روند شعر عربی بوده است. زندگی و شعر این شاعر از دیرباز تا دوره معاصر، عرصه جدال و مناقشه میان مؤرخان و ناقدان بوده است، چنانکه این اختلاف منجر به صدور احکام ضد و نقیض بسیاری درباره او شده است.

ابوتمام شاعری است که در سرودن شعر تنها بر ذوق و قریحه تکیه نکرد، بلکه با حرص و ولع بسیار به فراگیری و هضم علوم و فرهنگ قدیم عربی - اسلامی پرداخت. علاوه بر آن، از علوم جدید عصرش چون فلسفه و منطق و عقاید فرقه‌های مختلف اطلاع حاصل نمود، که مجموعه این اطلاعات در شعر او نمود یافته، و نقش اساسی در تکوین عقلانیت شاعر داشته است.

اما آنچه بیش از هر مقوله دیگری، ابوتمام را در تاریخ شعر عربی مطرح کرده، سبک متمایز او در نظم شعری است. او بر خلاف شاعران پیش از خود، چندان در مقابل ساختار بیرونی قصیده قدیم موضوع نگرفت، چنانکه بیشتر قصائدش را بر اساس قالب متداول شاعران، البته همراه با تعدیل عناصر قدیم آن به نظم درآورد. اما در مقابل، نظمش را از درون با عناصر جدیدی متمایز ساخت. چنانکه منتقدان آن را سبک ابوتمام نام نهاده‌اند. تاکید او بر اینکه شعر نتیجه و ثمره تلاش عقلی و ذهنی است، او را از جرگه شاعران طبع و ارتجال خارج ساخت. علاوه بر این، فراهنجاری‌های متعدد در بکارگیری الفاظ زبان در قالب ترکیبات جدید و نامأنوس با توسع در مجاز، در موارد متعددی زبان شعری او را به شکل رمز و نماد در آورده است. صورت‌گیری‌های متعدد از طریق تشبیه و استعاره، و ایجاد پیوندهای ظریف و ابتکاری میان پدیده‌ها، و تاکید بر غموض معنا و تلاش ذهنی در جهت فهم مقصود، از مبانی سبک شعری وی محسوب می‌شود. مقوله بدیع نیز در شعر او بر خلاف شعر شاعران پیشین، پیوندی منسجم با معانی‌اش دارد، و از عناصر اصیل شعر وی محسوب می‌شود. این سبک با عناصر جدید و متمایزش، با فکر و اندیشه ناقدان سنت‌گرا که همواره شعر قدیم و اسلوب تعبیری آن را تقدیس می‌کردند، تناقض یافت. از این رو در موارد متعدد به انتقاد از شعر او پرداختند، و بسیاری از ابیاتش را اسقاط نمودند، و شاعر را به فساد ذوق و خطا و جهل متصف کردند. ناقدان معاصر نیز در پژوهش‌های غالباً در تعامل با شعر ابوتمام موضعی شبیه به ناقدان گذشته اتخاذ کرده، و همان احکام را در درباره شعرش تکرار کرده‌اند.

کلمات کلیدی: ابوتمام، عصر عباسی، تنوع آموزه‌ها، سبک شعری، مبانی نقد عربی قدیم، پژوهش‌های نقدی معاصر.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق
۷	فرضیه‌های تحقیق
فصل اول : زندگی فردی و اوضاع فرهنگی عصر	
۹	۱-۱- جدال تاریخ در باب زندگی ابوتمام
۹	۱-۱-۱- درآمد
۱۰	۱-۱-۲- اختلاف در سال تولد
۱۰	۱-۱-۳- اختلاف در محل تولد
۱۱	۱-۱-۴- اختلاف در سال وفات
۱۲	۱-۱-۵- اختلاف در اصل و نسب
۲۰	۱-۱-۶- اختلاف در دین و مذهب
۲۳	۱-۱-۷- تحلیل اختلافات و اعتراضات ابوتمام
۳۴	۱-۲- اوضاع فرهنگی و علمی در عصر عباسی اول
۳۴	۱-۲-۱- تبادل فرهنگی و حرکت علمی
۳۷	۱-۲-۲- مراکز مهم فرهنگی علمی و ادبی
۴۱	۱-۲-۳- محیط فرهنگی و اجتماعی خاص ابوتمام
فصل دوم : حوزه دانش و معرفت	
۴۹	۲- حوزه دانش و معرفت ابوتمام و منابع آن
۴۹	۱-۲- درآمد

۵۰ ۲-۲-آموزه‌های دینی و اسلامی
۵۰ ۲-۲-۱- الفاظ، آیات و افکار قرآنی
۵۵ ۲-۲-۲- داستان‌های قرآن
۶۰ ۲-۲-۳- فقه و حدیث
۶۳ ۲-۳-آموزه‌ها و اطلاعات تاریخی
۶۳ ۲-۳-۱- تاریخ عربی - اسلامی و تاریخ قدیم
۶۹ ۲-۳-۲- تاریخ ادبی و شعری
۷۶ ۲-۴- اعتقادات شعبی و امثال مأثور
۷۷ ۲-۴-۱- اسطوره و خرافه
۸۱ ۲-۴-۲- امثال
۸۵ ۲-۵- علوم عصر و اندیشه‌های فلسفی و حکمی
۸۵ ۲-۵-۱- اصطلاحات علوم
۹۰ ۲-۵-۲- حکمت و فلسفه زندگی

فصل سوم : نظریه شعری و منهج قصیده

۱۰۳ بخش اول : نظریه
۱۰۳ ۳-۱- درآمد یک : ذوق جدید و عالم شعراء
۱۰۴ ۳-۲- درآمد دو : جریان‌های شعری محدث
۱۰۷ ۳-۳- نظریه شعری ابوتمام
۱۰۷ ۳-۳-۱- ماهیت شعر و چگونگی خلق شعر
۱۱۳ ۳-۳-۲- زبان شعری مصور
۱۳۰ ۳-۳-۳- عناصر هنری شعر ابوتمام
۱۳۰ ۳-۳-۳-۱- استعاره

۱۴۰ ۲-۳-۳-۳- جناس و طباق
۱۵۰ ۴-۳-۳- غموض هنری
۱۵۵ بخش دوم : تطبیق نظریه
۱۵۵ ۱-۴-۳- شعر ابوتمام و منهج قصیده
۱۶۵ ۲-۴-۳- شعر ابوتمام و عمود شعری

فصل چهارم : شعر ابوتمام و معیارهای نقدی

۱۷۳ ۱-۴- شعر ابوتمام و نقد قدیم
۱۷۳ ۱-۱-۴- درآمد
۱۷۴ ۲-۱-۴- معیارهای راویان و لغویان
۱۷۸ ۳-۱-۴- معیارهای نقدی ادبای کاتب
۱۸۶ ۴-۱-۴- معیارهای بلاغی
۱۸۸ ۲-۴- ابوتمام و پژوهش‌های جدید
۱۸۸ ۱-۲-۴- استمرار معیارهای نقدی و بلاغی گذشته
۱۹۴ ۲-۲-۴- پژوهش‌های نقدی جدید
۱۹۷ نتیجه‌گیری
۱۹۹ خلاصه الرسالة باللغة العربية
۲۱۱ فهرست منابع

چکیده انگلیسی

مقدمه

شعر قدیم عربی - علی‌رغم باور بعضی ناقدان معاصر مبنی بر تغییر و تحولات کند و اندک‌ش - در طول دوره‌های مختلف، و متناسب با شرایط عصر، همواره رنگ و بوی جدید به خود گرفته، و از حیث تغییر در ساختار و محتوا، نقاط عطف متعددی را به خود دیده است.

از جمله ادوار مهمی که شعر عربی در آن به رونق و شکوفایی شگرف رسید، دوره عباسی است که همچنان آثار شعری آن چون گوهری تابان در تاریخ ادبیات عربی می‌درخشد. در این دوره تمدن اسلامی به اوج پیشرفت خود رسید، و فرهنگ عربی از طریق ایجاد ارتباط با فرهنگ‌های دیگر چون فارسی، یونانی، سریانی، هندی و ... بالیدن گرفت و در اندک زمانی به رشد و کمال رسید. از رهگذر این ارتباط، آثار علمی و هنری زیادی به زبان عربی ترجمه شد که زمینه تحولاتی بنیادین در فرهنگ و ادب عربی - به ویژه در شعر - را فراهم ساخت، چنانکه در اندک زمانی، مظاهر و جلوه‌های آن در آثار شعری شاعران و ابداعات ادیبان به گستردگی انعکاس یافت، و از ظهور جریان‌های نوگرا و سبکی جدید پرده برداشت که با اصول و مبانی شعری موروث سر ناسازگاری می‌گذاشت.

این حرکت و جریان هنری در زمینه شعر به دست شاعرانی شهرنشین هدایت شد که از یک سو به زبان و ادبیات عربی و قواعد و علوم آن کاملاً واقف بودند، و از سوی دیگر، اطلاع گسترده‌ای از علوم و آموزه‌های معاصرشان داشتند. اینان در راستای تبلور نهضت ابداع و نوآوری و هماهنگی با شرایط معاصرشان و حمایت از آن، در برابر معیارها و شیوه‌های تقلیدی قدیم که محور آن را عمود شعری تشکیل می‌داد، به مقابله و مقاومت برخاستند، و هر یک بنا بر سبک خاص خود، در مسیر خروج از آن تقلید گام برداشتند. در مقابل، لغت‌شناسان و نحویان و راویان که بیشتر به انگیزه‌ای دینی که اساس آن حفظ زبان قرآن و حدیث، و استدلال الفاظ وارده در آنها با نمونه‌های شعری بود، و بدین منظور، به جمع‌آوری و حفظ و روایت شعر دوره جاهلی و اسلامی اشتغال داشتند، این معیارها و شیوه‌های تقلیدی را به هنگام ارزیابی شعر نوگرایان، چون سلاحی از نیام بر می‌کشیدند، و شعر زیبا و نیکوی آنان را تنها به دلیل اینکه در زمان خودشان گفته شده یا سراینده‌اش را دیده‌اند، به عیب متصف می‌کردند و پست می‌شمردند، و در مقابل، شعر نه‌چندان استوار قدیم را بسیار ارزش می‌نهادند و تقدیسش می‌کردند؛ چنین شرایطی، شور و اشتیاق شاعران نوگرا را برانگیخت و حماسه‌ای در درونشان

به وجود آورد و آنان را به مبارزه بیشتر تشویق نمود که این امر منجر به شکل‌گیری دو مکتب سنت-گرایان و نوگرایان شد.

بدین ترتیب دامنه خصومت میان قدما و نوپردازان به شاعران و منتقدان و علمای هر دو مکتب امتداد یافت. نگاهی به سیر نهضت نوگرایی شعر و نقد عربی قدیم در دوره عباسی نشان می‌دهد که اساس و مبنای این جریان در ابتدا به بشار بن برد و سپس به ابونواس و ابوالعتاهیه و مسلم بن ولید، و در نهایت به ابوتمام باز می‌گردد. اما آنچه در این میان مورد توجه است اینکه، نقد عربی قدیم با ابوتمام بیش از هر شاعر دیگری سر ناسازگاری گذاشت، چنانکه ناقدان این طیف، شعر و هنر وی را به شکلی ویرانگر نقد می‌کردند که حتی در مواردی نسبت شاعری را وی، و ویژگی شعری را از ابداعش سلب و نفی می‌کردند.

اما دامنه اختلاف درباره ابوتمام، تنها به هنر شعری وی منحصر نمی‌شود، بلکه آراء و نظرات، درباره مسائل و جزئیات زندگی وی چون: تولد و وفات، اصل و نسب، و دین و مذهبش، نیز بسیار متشتت و متناقض است. دامنه این تناقض گاه چنان است که حتی یک مؤلف در دو اثر متفاوت خود، نظرات متفاوتی ابراز داشته است. در نتیجه این اختلاف، احکام ضد و نقیضی درباره زندگی و شعر ابوتمام بر صفحه تألیفات تاریخی و نقدی قدیم و جدید نقش بسته که در مجموع، چهره‌ای مبهم و غامض را از این شاعر بزرگ به دست می‌دهد.

از رهگذر این اختلافات، و با نظر به اهمیت و جایگاه شعر ابوتمام و نقش بارز وی در تحول شعر، که نقطه عطفی در تاریخ شعر عباسی و عربی محسوب می‌شود، پس از بررسیها و مطالعات اولیه، و تبادل نظر و مشورت با استاد محترم راهنما، مقرر شد که موضوع رساله درباره شعر و زندگی ابوتمام با رویکردی تحلیلی و نقدی، به رشته تحریر درآید و بار دیگر، زندگی و شعر شاعر از زاویه‌ای جدید مبتنی بر نصوص شعری وی مورد نقد و بررسی قرار گیرد، و صحت و سقم آراء گذشتگان و معاصران، در این دو مسئله تبیین شود، و این اختلاف در آراء - تا حد امکان - به نحوی عذر نهاده شود.

از آنجا که موضوع رساله، شعر عربی در دوره عباسی را بررسی می‌کند، نگارنده ناچار بود علاوه بر دیوان شاعر که مهمترین منبع پژوهش است، و همچنین کتابهای نقدی و تاریخی معاصر، به منابع تاریخی و نقدی بسیار قدیمی نیز مراجعه نماید که در این باره کار تحقیق با دو مشکل اساسی روبه‌رو

بود: یکی عدم دسترسی ساده به بعضی از این منابع؛ چراکه کتابهایی مرجع بودند و تنها در کتابخانه-هایی خاص وجود داشتند. و دیگری، قدیمی بودن چاپ این کتابها، که تاریخ تحقیق بعضی از آنها به بیش از نیم قرن پیش باز می‌گشت، بگونه‌ای که بعضی از این منابع، فهرست مطالب نداشت، و نگارنده مجبور بود گاهی برای یافتن نکته‌ای، بخش زیادی از کتاب یا تمام آن را بررسی کند.

به هر صورت، رساله حاضر که در صدد است تا با استفاده از شعر شاعر، تصویری صادق از زندگی او ارائه کرده، و سبک شعری خاصی را مبتنی بر ادراک جدیدش از مفهوم شعر، برای وی ترسیم نماید، علاوه بر مقدمه، طی چهار فصل و یک نتیجه‌گیری به شکل زیر تنظیم شده است:

در فصل اول که خود به دو بخش تقسیم می‌شود، زندگی و عصر شاعر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش اول ابتدا در ذیل چندین عنوان، آراء و احکام متناقض مؤلفان قدیم و جدید درباره جزئیات زندگی شاعر چون سال تولد و وفات، موقعیت محل تولد، اصل و نسب، و دین و اعتقاد مطرح شده، و در نهایت در ذیل عنوانی به نام «اعتراضات ابوتمام» تلاش شده است به آنها پاسخ داده شود. و در بخش دوم این فصل نیز، تصویری از اوضاع علمی و فرهنگی، مراکز عمده فرهنگی و محیط خاص ابوتمام و اثرپذیری او از آن ارائه شده است.

اما فصل دوم به بررسی و تحلیل حوزه دانش و معرفت ابوتمام و منابع مختلف آن که نقشی اساسی در تکوین عقلانیت شاعر داشته‌اند، می‌پردازد. این فصل به چهار محور عمده که هر یک دارای چندین عنوان فرعی است، تقسیم شده است و برای هر محور و عنوان، شواهد متعددی به منظور تأیید و تبیین آن آورده شده است.

فصل سوم رساله حاضر، طی دو بخش نظری و تطبیقی به تحلیل شعر ابوتمام و تطبیق آن با ساختار درونی و بیرونی قصیده قدیم می‌پردازد. در بخش نظری تلاش شده است تا نظریه‌ای جدید درباره ماهیت شعر و چگونگی خلق آن، برای شاعر ترسیم شود. و در ادامه به زبان شعری مصور، ایحائی و رمزی، و عناصر هنری شعرش چون استعاره، جناس، طباق و غموض هنری اشاره شده، و نمونه‌هایی شعری در ذیل هر عنوان تحلیل شده است. در بخش دوم این فصل، شعر ابوتمام با ساختار درونی و بیرونی قصیده قدیم عربی تطبیق شده، و موارد اختلاف و تجدید آن بیان شده است.

اما فصل چهارم، نگاهی توصیفی به رویکرد نقد قدیم و پژوهشهای نقدی معاصر نسبت به شعر ابوتمام دارد. این فصل طی دو بخش به عنوان «ابوتمام و معیارهای نقد قدیم» و «ابوتمام و پژوهشهای معاصر» به توصیف این آراء درباره سبک شعری ابوتمام می‌پردازد. در بخش نخست به تبیین معیارهای نقدی قدیم از محیطهای نقدی مختلفی چون راویان و لغویان، ادبای کاتب و علمای بلاغت پرداخته شده است. و در بخش دوم به آراء مؤلفان و ناقدان معاصر که عمدتاً چندان از احکام و آراء گذشتگان متفاوت نیست، اشاره شده است.

در بخش نتیجه‌گیری نیز، طی یک جمع‌بندی کلی، ضمن اشاره به عوامل مؤثر در تکوین معرفتی و سبک شعری شاعر، به تبیین رویکرد و بینش آگاهانه شاعر در اتخاذ شیوه‌ای جدید و متمایز در نظم شعر پرداخته شده است.

نکته آخر اینکه، نگارنده گمان ندارد که در پژوهش خود، همه مطالب را به شکل دقیق و جامع آورده، و به اصطلاح، حق سخن را ادا کرده است، بلکه خاضعانه امیدوار است - و وی را همین بس - که با رساله حاضر، در کنار دیگران، گامی هر چند کوچک در وادی پژوهش نهاده باشد. در پایان، از استادان گرامی و دوستان عزیز که در مراحل انجام این تحقیق، یاریگر من بوده‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم، و از خداوند متعال، موفقیت روز افزون برای ایشان مسئلت دارم.

ومن الله التوفیق

حمید اکبری

۱۳۸۵/۶/۲۳

اقتضات عصر عباسی و اعتماد به نفس بالا، و گرایش به نوآوری، و همچنین تفکر عمیق فلسفی، به او امکان داد تا با تکیه بر این فاکتورها به سرودن شعر پردازد، و معانی بدیع و جدیدی را تولید کرده، و تشبیهات و صور بدیعی جدیدی را ابداع نماید، و از این طریق، ارتباطهای نامأنوسی را بر پایه تعقل و تخیل بین اشیاء برقرار سازد، آنگاه آن معانی را در قالب الفاظی گزینش شده و دقیق - و احیاناً غریب و ابداعی، و هماهنگ و متضاد - با تکیه بر مجاز ابراز نماید. برآمد و نتیجه این شیوه، تولید معانی جدید، ابداع صور بدیعی و صورت‌گریهای نامأنوسی است که هر یک متضمن چندین معنا و مفهوم می‌باشد.

این رویکرد ابوتمام در عمق بخشی به معنا و دقت در گزینش لفظ، باعث شد که هاله‌ای از غموض بر شعر وی مستولی شود و شعرش آکنده از محسنات بدیعی گردد، و قصیده شعری، از حالت مطبوع خارج، و شکل تکلف و تصنع به خود گیرد که در اصطلاح، شعر «احتراف» نام گرفته است. تمسک و التزام ابوتمام به این سبک، خشم ناقدان و علمای لغت را برانگیخت و آنان را به سوی جدالی پردامنه سوق داد که نتیجه آن اتهام شعر ابوتمام به غموض و تعقید و حتی حکم به ابطال کلی آن بود. این مخالفت، چه بسا برآمده از اختلاف اساسی در نگاه به مفهوم شعر و کارکرد آن، در دیدگاه ناقدان و ابوتمام باشد؛ چراکه شعر نیکو در نظر ناقدان سنتی، شعری است دارای ویژگی سهولت و وضوح، که برای همگان قابل فهم است؛ حال آنکه التزام ابوتمام به این سبک شعری و اصرار بر غامض بودن آن، حکایت از نگاه خاص او به مفهوم شعر و کارکرد متفاوت آن دارد. در این دیدگاه شاعر، افکار خود را به راحتی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد، بلکه خواننده را به تفکر واداشته و او را در بین معانی متعدد رها می‌نماید تا بهترین را انتخاب کند.

با این همه، شیوه ابداعی ابوتمام در سرودن شعر به مذاق ناقدان چندان خوش نیامد؛ آن‌انکه معیار ارزش شعر در نظرشان، تناسب و هماهنگی آن با قواعد عمود شعر بود. اما از آنجا که شعر ابوتمام جز در شکل ظاهری با این قواعد تناسب نداشت، سخت با آن به مخالفت برخاستند و ابوتمام را به خطا و فساد ذوق متهم کردند. چرا که شعر وی بر خلاف صورت ظاهر، از درون دارای عناصر متمایزی بود که با قواعد عمود شعری تناسب نداشت، و از این رو - علی‌رغم تمام هنرمندی ابوتمام در نظم شعر - نقد قدیم، سخت به انتقاد از شعر او پرداخت. این مخالفت و طرد از آنجا ناشی می‌شود که نقد ادبی قدیم

در حالتی شبه جمود باقی ماند و نتوانست همگام با تحول و تطور شعر حرکت نماید و معیارهای جدیدی را غیر از عمود شعری وضع نموده و آن را، اساس قضاوت شعر قرار دهد. نتیجه اینکه، شعر ابوتمام بر معیارهای مستنبط از شعر جاهلی قیاس شد و برآمد آن، اخلال و خطا در کاربرد الفاظ و اغراق در معانی شعری بود.

اما با نگاهی فراتر از قواعد نقد قدیم و تطبیق شعر ابوتمام و تحلیل آن بر بعضی مبانی نقد معاصر و قواعد آن، می‌توان نگاهی دقیق‌تر به ویژگی‌های شعر ابوتمام و رویکرد خاص او در سرودن شعر داشت. چراکه بعضی از ویژگی‌های شعری وی چون غموض و بدیع، از جمله مسائل مهم و مورد اهتمام نقد ادبی معاصر می‌باشد. از این رو تحقیق حاضر در صدد است تا با تلفیقی از نقد قدیم و جدید، و با اتخاذ رویکردی تحلیلی در قالب سؤالات زیر، به بررسی ویژگی‌ها و عوامل موثر در سبک شعری ابوتمام بپردازد:

۱- مصادر فکر و اطلاعات وسیع ابوتمام در زمینه‌های مختلف که در شعر وی تجلی یافته است، کدام است؟

۲- نگاه ابوتمام به مفهوم شعر چه تفاوتی با نگاه ناقدان سنت‌گرا دارد؟

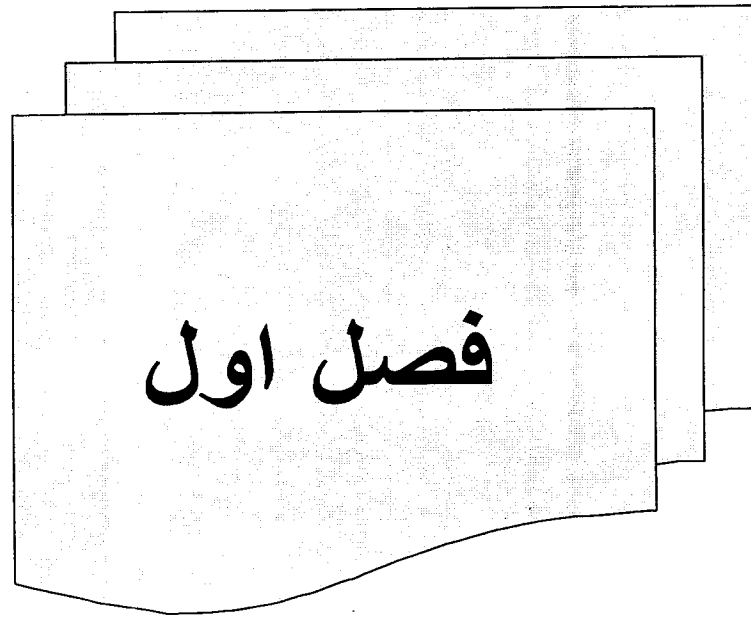
۳- عکس‌العمل نقد ادبی قدیم نسبت به شعر ابوتمام و ویژگی‌های آن چگونه است، و پژوهش‌های نقدی جدید چه دیدگاهی نسبت به آن اتخاذ کرده است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- اطلاعات و معلومات حوزه دانش و معرفت ابوتمام که در شعرش تجلی یافته است، برآمده از المام به فراگیری علوم عصر و اهتمام به میراث فرهنگی قدیم عرب است.

۲- شعر در نگاه ابوتمام مبتنی بر غموض و خفاء است، حال آنکه شعر در نگاه ناقدان سنت‌گرا دارای ویژگی سهولت و وضوح است و برای همگان قابل فهم می‌باشد.

۳- نگاه نقد قدیم به شعر ابوتمام و ویژگی‌های آن در مجموع، نگاهی منفی و سلبی است و در پی نفی هنر شعری ابوتمام است، همچنانکه پژوهش‌های نقدی جدید نیز عمدتاً امتداد آراء گذشتگان است، و جز اندکی از آنها، موضعی شبیه گذشتگان نسبت به ابداع شاعر ابراز داشته‌اند.



زندگی فردی

و

اوضاع فرهنگی عصر

۱-۱- جدال تاریخ در باب زندگی ابوتمام

۱-۱-۱- درآمد

شاید در میان ادبیات ملل جهان، تاریخ هیچ ادبیاتی چون ادبیات عربی دارای تشویش و انتحال و خطا نباشد. نگاهی به تراجم ادباء و شعراء و بلکه حوادث تاریخی نشان از سیطره و غلبه هوای نفسانی، گرایشهای حزبی و دخل و تصرف های شخصی دارد، حال آنکه از حقوق اساسی تاریخ بر مؤرخ، امانتداری و تعهدی است که تحت تأثیر هیچ میل و جریانی قرار نگیرد، و در نتیجه زیادت و نقصی در آن داخل نگرداند. حوادث تاریخی در نگاه عالمان عرصه ابزار تمایلات شخصی و گروهی، و جولانگاه مفاخرات قومی و قبیله‌ای و مذمت دشمنان نیست که در آن حق به ناحق، راستی به دروغ، و حقیقت به باطل عرضه گردد. بلکه این حوادث، مقدماتی منطقی و مواد خامی هستند که با قرار گرفتن صحیح در کنار یکدیگر، نتایج صحیح و تجربه‌هایی ارزنده به دست می‌دهند که رهگشای جوامع انسانی بعدی در ساختن زندگی و جامعه‌ای بهتر خواهد بود.

ادبیات عربی در دوره‌های مختلف نمونه‌های زیادی از این خطاها و دخل و تصرف‌ها به خود دیده است؛ بحث انتحال در شعر جاهلی^۱، شواهد مصنوع شعری در باب مسائل لغوی و نحوی^۲، اشعار منتسب به آدم (ع) و اعراب بائده و جنیان^۳، روایت شعر از شاعرانی که اصلاً وجود خارجی ندارند، چنانکه بدیع الزمان همدانی در مقامات خویش شاعری به نام بشر بن عوانه اختراع کرده، و ابیاتی را به وی نسبت داده، که سخت مورد پسند مردم قرار گرفته است.^۴

بر این اساس، تراجم شعراء و ادبای قدیم، و حوادث و اخبار و صفاتی که به آنها نسبت داده شده، هاله‌ای از شک و تردید بر صحت آنها قرار می‌گیرد. در طول تاریخ عربی، صفاتی به بعضی از شعراء و ادبا نسبت داده شده که متناقض با منطق و گفتار آنان است؛ چنانکه ابن مقفع به زندقه متهم می‌شود

۱- حسین، طه؛ فی الشعر الجاهلی، دار المعارف، مصر، بی تا، ص ۱۴.

۲- الخفاجی، محمد عبد المنعم؛ دراسات فی الشعر الجاهلی و الاسلامی، دار الجیل، چاپ ۱، ۱۹۹۲، ص ۱۲۴.

۳- القرشی، أبوزید؛ جمهرة أشعار العرب، دار الفكر، بیروت، بی تا، ص ۳۹.

۴- همدانی، بدیع الزمان؛ مقامات، به شرح محمد عیده، دار المشرق، بیروت، چاپ ۱۰، ۲۰۰۲، ص ۲۱.

و حال آنکه در تمام آثارش، روح اسلامی و دینی به چشم می‌خورد.^۱ متنبی به بخل و خست متهم می‌شود، در حالیکه در دیوانش اشعار بسیاری در مذمت افراد بخیل وجود دارد. چگونه صفتی که آن را در دیگران نمی‌پسندد، خود به آن متصف باشد؟ یا ابن رومی به بدبینی و اختلال عقل و هوش متهم می‌شود، و حال آن که شعرش دارای آنچنان دارای عمق و دقت و تسلسل است که بعید است توسط فردی چون ابن رومی با آن صفات منفی سروده شده باشد. از این نمونه‌ها در طول تاریخ قدیم عربی بسیار است. در این میان، شاعر مورد بحث ما، ابوتمام، نیز از این خطاها در امان نمانده است، چنانکه اختلاف نظر زیادی در باب سال تولد و وفات، اصل و نسب، دین و اعتقادش و... به وجود آمده است. این آراء و نظرات متناقض هر پژوهنده‌ای را به بیراهه می‌کشاند، و او را به صدور احکامی سوق می‌دهد که گاهی با آراء دیگران کامل متفاوت می‌نماید.

۱-۱-۲- اختلاف در سال تولد

نخستین مسأله‌ای که در باب زندگی ابوتمام مورد اختلاف مؤرخان است، سال تولد وی است که میان ۲۰ سال یعنی از سال ۱۷۲ تا ۱۹۲ در نوسان است. کهن‌ترین منبعی که در این باره سخن گفته، ابوبکر صولی است که طی دو روایت، یکی از خود ابوتمام و دیگری از فرزندش، «تمام»، سال تولد وی را به ترتیب ۱۹۰ و ۱۸۸ ذکر کرده است.^۲ مؤرخان دیگر نیز در این باره تواریخی را ذکر کرده‌اند یا یکی را بر دیگر تاریخها ترجیح داده‌اند، چنانکه ابن‌انباری به استناد «تمام» سال تولد شاعر را ۱۸۸ می‌داند.^۳ ابن‌خلکان در باب ولادت وی سه تاریخ به سالهای ۱۷۲، ۱۸۸ و ۱۹۰ آورده است.^۴ و بالاخره خطیب بغدادی سال ۱۸۸^۵ و بدیعی سال ۱۹۰^۶ را بر دیگر تاریخها ترجیح داده‌اند.

۱-۱-۳- اختلاف در محل تولد

- ۱- البستانی، بطرس؛ انباء العرب فی العصر العباسیة، دار نظیر عبود، بیروت، بی تا، ۲/۲۱۴.
- ۲- الصولی، ابوبکر؛ اخبار اَبی‌تمام، المکتب التجاری للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، بی تا، ص ۲۷۲.
- ۳- ابن‌انباری؛ نزهة الألباء فی طبقات الألباء، تحقیق: ابراهیم السمرانی، مکتبة الأنلس، بغداد، ۱۹۷۰، ص ۱۲۴.
- ۴- ابن‌خلکان؛ وفيات الأعیان، تحقیق: احسان عباس، دار الثقافة، بیروت، ۱۷/۲.
- ۵- خطیب بغدادی؛ تاریخ بغداد، المکتبه السلفية، المدینة المنورة، بی تا، ۲۵۲/۸.
- ۶- البیدیعی، یوسف؛ هبة الأيام فیما یعلق بأبی‌تمام، تحقیق: عبدالله نبهان و دیگران، المجمع الثقافی، أبوظبئی، ۲۰۰۳، ص ۲۳.

دومین مسأله‌ای که درباره زندگی ابوتمام در هاله‌ای از غموض و ابهام قرار دارد، محل تولد وی است. هر چند که میان همه مؤرخان اتفاق نظر وجود دارد که ابوتمام در روستایی به نام «جاسم» متولد شده است، اما اینکه موقعیت جغرافیایی این روستا کجاست، محل اختلاف است. ابوالفرج اصفهانی، جاسم را از توابع منبج در شمال سوریه و شمال شرق حلب می‌داند.^۱ ابن خلکان معتقد است که جاسم یکی از روستاهای دمشق بوده، و در مسیر طبریه قرار دارد که بر این اساس، منطقه مذکور در جنوب سوریه است. یاقوت حموی نیز به مانند ابن خلکان، بعد از شرح معنایی کلمه «جاسم» آن را روستایی در هشت فرسخی دمشق در مسیر طبریه می‌داند.^۲

مؤرخان و مؤلفان معاصر نیز به تبع قدماء در تحدید موقعیت این منطقه اختلاف نظر دارند. عمر فروخ که در ابتدای کتابش نظر ابن خلکان و یاقوت را در تحدید این منطقه آورده و پذیرفته است، به هنگام نقل نظر ابوالفرج تعلیقی می‌افزاید که چه بسا منطقه‌ای دیگر به نام منبج غیر از آنچه که در شمال شرقی حلب واقع است، وجود داشته باشد، یا اینکه روستایی دیگر به اسم جاسم غیر از آنچه در جنوب سوریه واقع شده، موجود باشد. فروخ احتمال دیگری را نیز می‌افزاید که طی آن ابوالفرج را به وهم و گمان متهم کرده که خواسته محل تولد ابوتمام را نزدیک به محل تولد شاگردش بحتری قرار دهد، چرا که بحتری در منطقه منبج متولد شده است.^۳ در مقابل، خضر الطائی که به نظر ابوالفرج گرایش دارد، جاسم را روستایی در دل بادیه با مردمانی بدوی و دارای عادات و تقالید سنتی می‌داند که به دلایل اقتصادی در آنجا سکونت گزیده بودند.^۴

۱-۱-۴- اختلاف در سال وفات

تاریخ وفات ابوتمام نیز مانند تاریخ تولدش مورد اختلاف است. کهن‌ترین منبع ما که همان ابوبکر صولی است، دو روایت در این باب دارد؛ یکبار از قول پسر ابوتمام آورده که پدرش به سال ۲۳۱ در گذشته است، و بار دیگر از قول مخلد بن بکار موصولی، که شاعر را هجو می‌گفته، محرم سال ۲۳۲ را

۱- الإصفهانی، أبو الفرج؛ الأغانی، تحقیق: علی المهنّا و دیگران، بیروت، دار الفکر، بی تا، ۱۶/۱۴۴.

۲- الحموی، یاقوت؛ معجم البلدان، دار صادر، بیروت، بی تا، ص ۱۶.

۳- فروخ، عمر؛ ابوتمام شاعر الخلیفة محمد المعتصم بالله، دار لبنان للطباعة و النشر، بیروت، چاپ ۲، ۱۹۸۶، ص ۲۲.

۴- الطائی، خضر؛ ابوتمام الطائی، دار الجمهوریة، بغداد، ۱۹۶۶، ص ۹.

ذکر کرده است.^۱ این دو روایت را تقریباً همه منابع دیگر تکرار کرده‌اند، و دو تاریخ دیگر به سالهای ۲۲۸ و ۲۲۹ نیز به آن دو افزوده‌اند.^۲ اما نکته مورد اتفاق مؤرخان در این باره محل وفات و مدفن وی است، که همه آن را موصل ذکر کرده‌اند.

۱-۱-۵- اختلاف در اصل و نسب

بدون شک بزرگترین مسئله‌ای که از گذشته تا زمان حال مورد اختلاف مؤرخان بوده، مسأله اصل و نسب عربی و طائی ابوتمام یا عدم آن دو است. در این میان آراء ضد و نقیض مؤرخان بیش از آنکه بر شواهد شعری شاعر متکی باشد، بر اقوال پراکنده تاریخی و غیر صحیح تکیه دارد. از این رو، اختلافی بزرگ در میان آنان اعم از قدیم و جدید شکل گرفته است.

مؤرخان قدیم و جدید هر یک در این باره یا نظراتی قطعی در اثبات یا رد اصل و نسب عربی ابوتمام و طائی بودن وی ابراز داشته‌اند، و یا اینکه بر طبق گفته‌های دیگران و بعضی اسناد دیگر، که به نظرشان صحیح بوده، رأی به ترجیح یکی از این دو مسئله داده‌اند. اینک ما در این باره به طور مفصل به بیان نظرات این مؤرخان خواهیم پرداخت، و صحت و سقم آراء ایشان را بعداً بررسی خواهیم کرد. در این میان، از مؤرخان قدیم به ابوالفرج اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن خلکان، ابوبکر صولی، آمدی و بدیعی اشاره می‌کنیم، و از مؤرخان جدید عرب، شوقی ضیف، عمر فروخ، نجیب محمد البهبیتی، خضر الطائی و از مستشرقان مرجلیوث و بروکلیمان را نام می‌بریم.

موضوع اصالت عربی و طائی بودن خاندان ابوتمام یا عدم صحت آن دو، مسأله‌ای است که بیشتر مؤرخان قدیم عرب بدان پرداخته‌اند. چنانکه ابوبکر صولی^۳ و ابو الفرج اصفهانی^۴ بر نژاد خالص وی تأکید کرده‌اند. ابن خلکان و خطیب بغدادی و بدیعی نیز علاوه بر ذکر اصالت عربی و طائی بودن ابوتمام، اجداد او را نیز بر شمرده، و سلسله آن را به یعرب بن قحطان رسانده‌اند.^۵ همین مؤرخان که از

۱- الصولی، ابوبکر؛ پیشین، صص ۲۷۲-۲۷۳.

۲- ابن خلکان، پیشین، ۱۷/۲؛ خطیب بغدادی، پیشین، ۲۵۸/۸؛ البدیعی، پیشین، ص ۶۴.

۳- الصولی، ابوبکر؛ پیشین، ص ۵۹.

۴- الإصفهانی، ابوالفرج؛ پیشین، ۱۶/۴۱۴.

۵- ابن خلکان، پیشین، ۱۱/۲؛ خطیب بغدادی، پیشین، ۲۴۸/۸؛ البدیعی، پیشین، ص ۳۳.